((پایان کار اصلاح طلبان در ایران))



تقریبا از اول انقلاب تا سال ۱۳۹۲ بالاخره در فضای سیاسی ایران به صورت نیم بند دو گروه یا به عبارتی دو جناح با دو طرز فکر متفاوت حاکم بود جناح میانه رو یا اصلاح طلبان و جناح تندرو و محافظه کار یا اصولگرایان، که هر دو گروه تقریبا حکومتی بودند و در چارچوب حاکمیت قواعد بازی را تا حدودی رعایت میکردند. ولی امروزه میتوان گفت جناح اصلاح طلب در عمل و حتی در حرف هم کاملا از بین رفته و عملا هیچ کارکرد و یا حرفی برای گفتن ندارند. بخصوص از زمانی که لیست انتخاباتی اصلاح طلبان در انتخابات مجلس و شوراهای اسلامی شهر و روستا کاملا مهندسی شده اعلام شد و با معرفی لیستی، افراد معلوم الحال و غیر مردمی به مجلس و شوراها راه یافتند و مثلا نماینده و سخنگوئی اصلاح طلبان در این مجالس شدند،

همان زمان گفتم که پرونده اصلاح طلبی و اصلاح طلبان بسته شد و از نظر بنده آن لیست خط بطلانی بود برای فضای دو قطبی کشور. و نهایتا هم دیدیم و داریم میبینیم که این وضعیت تا حدودی به یک دست شدن حاکمیت منجر شد و چه بلای که سر اصلاحات آمد...
زمان انتخابات مجلس و شوراها، اینجانب کاملا متوجه این قضیه بودم و مکررا فریاد میزدم که به این لیست اصلاح طلبان رای ندهید و فقط اصلاح طلبان دانشگاهی و مستقل را پیدا کنید چون میدیدم که لیست ارائه شده لیست اصلاح طلبان واقعی نبودند و هر روز داد میزدم که با رای خود به افراد تحصیل کرده و اصلاح طلبان خارج از حاکمیت، جلو برنده شدن لیست دروغین اصلاحات را بگیرید ولی متأسفانه گوش کسی به حرفهای امثال بنده بدهکار نبود و تازه تهمت هم میزدند که شما به خاطر خودتان که در لیست اصلاح طلبان اسمتان نیامده این حرفها را میزنید و اصلاح طلبان را تخریب میکنید...
بگذریم فکر میکنم خیلی ها امروزه به حرف بنده رسیده اند که این افراد نمیتوانند نماینده واقعی افکار اصلاح طلبی و اصلاحات باشند پس در نهایت نمیتوانند نماینده واقعی مردم باشند. کاش در زمان انتخابات کمی بیشتر تامل میکردیم و یا حداقل در انتخابات آتی باز این اشتباهات را تکرار نکنیم و به خودمان کمی زحمت تفکر بدهیم و واقعا بگردیم اصلاح طلبان مستقل از حکومت و دانشگاهی را برای انتخابات های آینده بخصوص انتخابات آتی مجلس پیدا کنیم.
نیاز به یادآوری نیست که این اصلاح طلبان خودی که فعلا در سر کار هستند هیچ کاری از دستشان برنمیاید و عملا به غیر از تماشای اتفاقات پی در پی کار دیگری بلد نیستند و به یک تماشاگر حرف گوش کن تبدیل شده اند تازه تماشاگران بی طرفی هم نیستند شده اند کاسه داغ تر از آش ...
وقتی امروز (مورخه 1396/10/26) مقاله دکتر تاجیک را در روزنامه شرق مطالعه کردم واقعا حرفهای خودم را چقدر مستند یافتم و قطعا مطمئن شدم که در مورد این اصلاح طلبان اشتباه نمیکردم.

چرا که بنده دکتر تاجیک را بیشتر از بیست سالیست میشناسم و در تمامی مقاطع تحصیلی دانشگاهی استاد اینجانب بودند و هستند. دکتر تاجیک شاید امروزه قویترین استاد علوم سیاسی و فیلسوف و دانشمند زنده ایرانی باشند که دراین زمینه سر آمد همه اساتید هستند و ضمنا جز بنیانگذاران و تئوری پردازان اولیه اصلاح طلبی در ایران هستند که همه تحصیل کردگان دانشگاهی بخصوص بچه های دانشگاه شهید بهشتی به وجود ایشان افتخار میکنند. (واقعا هم چه افتخاری بالاتر از اینکه بیش از بیست سال یک فیلسوف و دانشمند امثال دکتر تاجیک و دکتر سریع القلم مستقیما بالای سرت باشند. جرائت میکنی یک روز مطالعه نداشته باشی؟...)
پس وقتی فردی مثل دکتر تاجیک با آن عظمت اعتقاد دارند اصلاح طلبان به آخر رسیده اند پس هیچ شکی نمیماند که قطعا با کمی دقت و تمرکز اتمام کار اصلاح طلبان فعلی را اعلام کنیم و به فکر افراد و احزاب واقعی اصلاح طلب باشیم ...
((دکتر عبداللهی))
@drkarimabdollahi

((تعریف اصلاح طلبی و اصلاح طلب))
اصلاح طلبی؛ پیشرفت و آگاه شدن ناخواسته انسانهاست. رشد اندیشه هاست. آگاهی از حقوق شهروندی است احترام به قوانین و مقررات است دوری از بی اخلاقی است دوری از دروغ گفتن است دوری از تظاهر و ریاکاریست... چیزی نیست که روزی از بین برود. چیزی نیست که بتوان آن را حذف کرد. چطور ممکن است جلو آگاه شدن جوامع بشری را گرفت؟ پس ناگزیر اتفاق خواهد افتاد. اتفاقا هر مانعی برای اصلاحات سرعت آن را بیشتر و بیشتر خواهد کرد. و خدا را شکر در کشور ما این فرآیند خیلی وقت است شروع شده و روز به روز به دور از هرگونه خشونت و تندروی به همه سطوح مختلف جامعه گسترش یافته است و خود را به شکل یک جنبش اجتماعی درون مردمی نشان میدهد... به عبارتی اصلاح‌طلبی واقعی احترام به حقوق دیگران، رعایت قوانین و احترام به حقوق بنیادین و اولیه انسانهاست... اصلاح طلبی دوری از هر نوع بی اخلاقی است، دوری از عوام فریبی است دوری از مقدس معابی است... در واقعا اصلاح طلبی همان دموکراسی خواهی است.
پس اصلاح طلب کسی است که به جای شعار و مرده باد و زنده باد مطلقا نزاکت اجتماعی را رعایت کند تخلفی نکند در کاری که به عهده وی گذاشته شده کوتاهی نکند دروغ نگوید به خاطر منافع کوتاه مدت ریاکاری و تظاهر نکند و خیلی از مسائل ریز و جزی زندگی را رعایت کند. حتی اینجانب معتقد هستم کسی حتی یکبار چراغ قرمز را رد کند یا یک دروغ مصلحتی بگوید و یا چیزی که برایش زحمت نکشیده بخواهد با زرنگی و دلالی به دست بیاورد و یا کسی که بدون زحمت و هزینه میخواهد یک شبه به همه چیز برسد اصلاح طلبی را درست متوجه نشده است. اصلاح طلبی یعنی تحمل یعنی احترام یعنی کار و تلاش شبانه روزی و زحمت فراوان و مهمتر از همه اصلاح طلب کسی است که حداقل هر ماه به طور جدی یک کتاب مطالعه کند مگر میشود ادعای اصلاح طلب بودن داشته باشیم ولی اهل مطالعه و تحقیق و پژوهش و تفحص نباشیم این در واقع بیشتر شبیه یک جک است و مطمئن باشید اگر قرار است به اصلاحات ضربه ای یا آسیبی برسد از دوستانی خواهد بود که بدون مطالعه و آگاهی کامل ادعای اصلاح طلب بودن و مردم سالاری دارند.
در یک جمله اصلاح طلب یعنی عاشق، عاشق ملت، عاشق ایران یعنی یک انسان با اخلاق یک انسان مومن واقعی و خدا پرست یک انسان اهل علم و مطالعه و یک انسان منطقی یک انسان با تحمل بسیار بالا یک انسانی که در هر شرایطی از خشونت دوری میکند و در مجموع انسانی که واقعا نزاکت اجتماعی را در همه زمینه ها رعایت میکند و مهمتر از همه به درد هم نوعان بی تفاوت نیست.
((دکتر عبداللهی))
@drkarimabdollahi